

کتابخانه

# حیثیت و زندگی و فرهنگ

نگرشی نوین به

فلسفه فرهنگ

سید یدالله یزدان پناه



## فهرست

- ۲۵ سخن پژوهشگرده تمدن توحیدی
- ۳۵ مقدمه
- ۴۳ فصل اول: کلیات
- ۴۵ ۱. ویژگی‌های پایه در این نحو مطالعه فلسفی-اجتماعی
- ۴۶ ۱-۱. ویژگی اول: رویکرد کشف واقع
- ۴۷ ۱-۲. ویژگی دوم: پایگاه سنت معقول اسلامی
- ۴۷ ۱-۲-۱. منظور از پایگاه سنت معقول اسلامی
- ۴۸ ۱-۲-۲. ضرورت تحلیل فرهنگ براساس این پایگاه
- ۵۰ ۱-۲-۳. چگونگی امکان عزیمت از این پایگاه
- ۵۱ ۱-۲-۴. تبارشناسی این مباحث در سنت معقول اسلامی
- ۵۱ ۱-۲-۵. ورود ما به مطالعات اجتماعی مورد بحث؛ ورودی فلسفی
- ۵۳ ۱-۲-۶. نیاز این کار به غنی‌سازی اصطلاحات و بازسازی تبیین‌ها
- ۵۵ ۲. سیاست‌های راهبردی این مطالعه فلسفی-اجتماعی
- ۵۶ ۲-۱. ارائه اثر در سطح مقبولیت همگانی

- ۵۷ ۲-۲. شروع از ساحت فرد و سپس ورود به ساحت اجتماعی
- ۵۹ ۳. مراد از ماهیت و نحوه وجود فرهنگ
- ۵۹ ۳-۱. تحقیق فلسفه از چیهستی و هستی پدیده‌ها و مراحل آن
- ۶۱ ۳-۲. تبیین تحقیق و بررسی ماهیت
- ۶۱ ۳-۲-۱. ماهیت شرح‌الاسمی
- ۶۲ ۳-۲-۲. تعاریف دقیق در حوزه دانش
- ۶۳ ۳-۲-۳. تحلیل فلسفی فرایند تحقق تعاریف دانشی
- ۶۶ ۳-۲-۴. تحلیل ماهیت؛ بازشناسی ذهنی یا بازکاوی خارجی
- ۶۸ ۳-۲-۵. انواع تعاریف از یک شیء به حسب علوم مختلف
- ۶۹ ۳-۳. تبیین تحقیق در ماهیت فرهنگ
- ۶۹ ۳-۳-۱. ضرورت تعریف علمی فرهنگ
- ۷۰ ۳-۳-۲. نسبت تعریف فلسفی و سایر تعاریف از فرهنگ
- ۷۴ ۳-۴. تبیین حقیقت نحوه وجود
- ۷۴ ۳-۴-۱. فلسفی بودن مسئله نحوه وجود
- ۷۶ ۳-۴-۲. تبیین فضای فلسفی مسئله نحوه وجود
- ۷۶ ۳-۴-۳. ابتناء همه مباحث علمی بر نحوه وجود
- ۷۷ ۳-۴-۴. نحوه وجود در دستگاه‌های مختلف فلسفه اسلامی
- ۸۱ ۳-۵. تبیین مسئله نحوه وجود فرهنگ
- ۸۱ ۳-۵-۱. مسئله نحوه وجود در جامعه‌شناسی و فلسفه
- ۸۳ ۳-۵-۲. مسئله نحوه وجود فرهنگ
- ۸۳ ۳-۵-۳. نسبت ماهیت فرهنگ و نحوه وجود آن
- ۸۵ ۳-۵-۴. نسبت مسئله نحوه وجود فرهنگ و نحوه وجود جامعه
- ۸۵ ۳-۵-۵. کارکرد مطالعه نحوه وجود فرهنگ

۸۶	۴. پیشینه این اثر
۸۷	۵. گزارش اثر
۹۱	<b>فصل دوم: کنش انسانی در ساحت فردی</b>
۹۴	۱. بررسی نحوه کنش شعوری-ارادی انسان
۹۵	۱-۱. هویت شعوری-ارادی انسانی و تفاوتش با حیوان
۹۶	۱-۱-۱. تحریک میلی-شوقی حیوان و اراده انسانی
۹۷	۱-۱-۲. ادراک تخیلی-وهمی حیوان در مرحله عمل
۱۰۰	۱-۱-۳. عقلانیت ساحت شعور انسانی
۱۰۲	۱-۱-۴. عمل شعوری-ارادی انسان و رویه
۱۰۶	* شعور مرکب در افعال ارادی
۱۰۷	۱-۱-۵. شعور در افعال ارادی به ظاهر ناخودآگاه
۱۰۸	* عمل نفسانی، فطری و القاء خواطر
۱۱۰	* تفاوت ملکه و فعل ناخودآگاه
۱۱۱	۱-۱-۶. روح خداوندی، فطرت و عقل
۱۱۵	۱-۱-۷. تکلیف حیوانی و شعور انسانی
۱۱۸	۱-۱-۸. شعور عقلی، فرهنگ و علم
۱۲۰	۱-۲. از حکمت عملی تا عقل عملی
۱۲۱	۱-۲-۱. عقل نظری و حکمت عملی
۱۲۴	۱-۲-۲. هویت عقل عملی تدبیری
۱۳۰	۱-۲-۳. مبادی عقل عملی تدبیری
۱۳۲	۱-۲-۴. فرایندهای تعقل در ساحت جزئیات
۱۳۶	۱-۲-۵. معقول ثانی فلسفی عملی
۱۳۹	۲. معناداری و جهان انسانی

- ۱۴۰ ۲-۱. معناداری کنش انسانی
- ۱۴۰ ۲-۱-۱. مراد از معنای کنش و گستره آن
- ۱۴۳ ۲-۱-۲. جعل اصطلاح «معنا»
- ۱۴۸ ۲-۲. معنا در عرصه کنش
- ۱۴۸ ۲-۲-۱. اعمال یکسان و واحد و معانی متعدد
- ۱۴۸ \* هویت معنایی عمل
- ۱۴۹ \* عمل یکسان دارای چندین معنا
- ۱۵۰ \* جمع معانی متعدد در عمل واحد
- ۱۵۲ ۲-۲-۲. موج زدن معنا در عمل و موطن سه گانه معنایی
- ۱۵۸ \* مبنای فلسفی موطن دوم
- ۱۶۰ \* مبنای فلسفی موطن سوم
- ۱۶۲ ۲-۳. درک معنای کنش
- ۱۶۵ ۲-۴. جهان معنا
- ۱۶۶ ۲-۴-۱. گسترش عرصه معنا به فراتر از کنش
- ۱۶۶ \* اشیاء به مثابه پدیدار انسانی معنادار؛ موطن چهارم معنا
- ۱۶۶ • معنادار کردن اشیاء
- ۱۶۹ • معیار معنادار شدن اشیاء
- ۱۷۰ • تحلیل فلسفی وجود اشیاء از برای انسان
- ۱۷۵ \* اعتبار و توسعه ساحت معنادار؛ موطن پنجم معنا
- ۱۷۵ • اعتبار فردی
- ۱۷۶ • گسترش حقیقی ساحت انسانی با اعتبار
- ۱۷۹ • تعامل حقیقی انسان با زبان
- ۱۸۰ • پذیرش، شرط حقیقی شدن اعتبار

- ۱۸۱ • وعاء تحقق اعتبار
- ۱۸۳ • حقیقت در ساحت معنا و مطابقت با خارج
- ۱۸۴ \* تحقق جهان معنا
- ۱۸۵ ۲-۴-۲. فرایندهای جاری در جهان معنا
- ۱۸۵ \* معنایابی و معناسازی
- ۱۸۶ \* عمق‌یابی و بسط معنا
- ۱۸۷ \* بازیابی و بازسازی معنا
- ۱۹۰ ۳. معنا و ساحت‌های شعوری-ارادی انسان
- ۱۹۱ ۳-۱. ساحت‌های معنای درونی
- ۱۹۱ ۳-۱-۱. ساحت معرفت
- ۱۹۳ ۳-۱-۲. ساحت برداشت
- ۱۹۵ ۳-۱-۳. ساحت احساسات
- ۱۹۹ ۳-۱-۴. ساحت تأثر
- ۲۰۲ ۳-۲. ساحت کنش
- ۲۰۴ ۳-۳. ساحت ابراز بیانی
- ۲۰۵ ۳-۳-۱. ابراز بیانی معنا
- ۲۰۸ ۳-۳-۲. انواع ابراز بیانی
- ۲۰۹ ۳-۳-۳. صورت مستقل کنش تبیینی
- ۲۱۰ ۳-۳-۴. شدت بیان معنا
- ۲۱۱ ۳-۴. ساحت خلاقیت
- ۲۱۲ ۳-۵. ساحت تعامل
- ۲۱۲ ۳-۵-۱. ساحت تعامل، برآیند ساحت‌های شعوری
- ۲۱۵ ۳-۵-۲. تضاعفی بودن ساحت تعامل

- ۲۱۵ ۴. تحقق وجود انسان در موقعیت
- ۲۱۶ ۴-۱. معنای در موقعیت بودن انسان
- ۲۱۷ ۴-۲. گستره موقعیت انسان
- ۲۱۹ ۴-۳. معرفت در زمینه
- ۲۲۱ فصل سوم: کنش انسانی در ساحت اجتماعی
- ۲۲۴ ۱. مسیرهای ورود به بحث چيستی و نحوه وجود فرهنگ
- ۲۲۶ ۲. جامعه
- ۲۲۶ ۲-۱. وجود نفس الامری جامعه و اثبات آن
- ۲۲۶ ۲-۱-۱. پیشینه بحث
- ۲۲۸ ۲-۱-۲. دلایل عدم امتدادیابی کار فارابی
- ۲۲۹ ۲-۱-۳. انحاء تصور وجود جامعه
- ۲۳۰ ۲-۱-۴. راه اثبات وجود نفس الامری جامعه
- ۲۳۲ ۲-۱-۵. پدیده‌هایی غیر قابل انحلال به افراد
- ۲۳۲ \* زبان
- ۲۳۶ \* نظام‌های اجتماعی
- ۲۳۷ \* نقش اجتماعی
- ۲۳۸ \* هنجارهای اجتماعی
- ۲۳۸ \* دین اجتماعی
- ۲۴۰ \* تحلیل عدم انحلال این مثال‌ها به افراد
- ۲۴۰ • استقلال هویت گذشته از افراد حاضر، ...
- ۲۴۲ • استقلال روند اجتماعی از پذیرش تک تک افراد کنونی
- ۲۴۳ • فشار اجتماعی و شبه‌ناخودآگاهی پذیرش اجتماعی
- ۲۴۵ ۲-۲. درآمدی بر نحوه وجود جامعه

- ۲۴۵ ۲-۲-۱. مقدمه
- ۲۴۶ ۲-۲-۲. وحدت جامعه
- ۲۴۶ \* نقد نظریه توحید جامعه براساس وحدت عالم مثال و عقل
- ۲۴۸ \* توحید جامعه و عنصر هدف
- ۲۴۹ \* مشارکت، معیار شکل‌گیری جامعه
- ۲۵۰ \* معنا و مرزهای تعیین‌بخش جامعه
- ۲۵۳ ۲-۲-۳. رابطه فرد و جامعه
- ۲۵۳ \* مقدمه
- ۲۵۴ \* ساخت اجتماعی فرد انسانی
- ۲۵۵ \* اصالت فرد یا جامعه
- ۲۵۸ \* مدنی‌بالطبع بودن و تحقق کمال انسانی در جامعه
- ۲۶۰ ۲-۲-۴. مزاج، ترکیب جامعه و نحوه وجود آن
- ۲۶۱ ۲-۲-۵. جامعه و فرهنگ
- ۲۶۲ ۲-۳. کیفیت پدیداری جامعه
- ۲۶۲ ۲-۳-۱. نحوه بحث ما
- ۲۶۲ \* مروری بر مقدمات طرح‌شده
- ۲۶۳ \* زمینه نفس‌الامری وجود جامعه
- ۲۶۵ \* نسبت سه بحث اثبات وجود، ...
- ۲۶۵ ۲-۳-۲. انباشتگی در ساحت تعامل انسانی
- ۲۶۹ ۲-۳-۳. انباشتگی معنایی و عینی...
- ۲۶۹ \* انباشت معانی مشترک و مشارکت عینی
- ۲۶۹ \* روح و جسم جامعه
- ۲۷۰ \* تجسد فرهنگ در کنش اجتماعی و...



- ۲۷۴ ۲-۳-۴. تحليل بحث در ضمن مثال خانواده
- ۲۷۸ ۲-۳-۵. جامعه، پديداری انسانی
- ۲۷۹ \* رنگ انسانی اشیاء در ساحت اجتماعی
- ۲۷۹ \* جامعه و فرهنگ از لوازم روح خداوندی
- ۲۸۱ \* جامعه: بسط روح انسانی و پديداری انسانی

### ۲۸۵ فصل چهارم: چيستی فرهنگ و عينیت آن

- ۲۸۸ ۱. معنای لغوی (شرح الاسم) فرهنگ
- ۲۹۳ ۲. وجود خارجی فرهنگ
- ۲۹۶ ۳. چيستی و ماهیت فرهنگ
- ۲۹۶ ۳-۱. مقدمه
- ۲۹۶ ۳-۱-۱. تبدیل مباحث فردی به اجتماعی
- ۲۹۸ ۳-۱-۲. تبدیل همه ساحت‌های فردی به اجتماعی
- ۲۹۹ ۳-۲. تعريف فرهنگ
- ۳۰۱ ۳-۳. تحليل مفردات تعريف
- ۳۰۲ ۳-۳-۱. انباشت معنا
- ۳۰۳ ۳-۳-۲. به شکل عمومی
- ۳۰۴ ۳-۳-۳. فاهمه عمومی
- ۳۰۶ ۳-۳-۴. کنش اجتماعی و ساخت اجتماعی
- ۳۰۶ \* کنش اجتماعی جامعه و فرد
- ۳۰۸ \* خوب و بد در کنش اجتماعی
- ۳۰۹ \* ظهور فرهنگ در کنش و ساخت اجتماعی
- ۳۱۱ ۴. عينیت فرهنگ
- ۳۱۲ ۴-۱. ابراز فرهنگی

- ۳۱۲ ۴-۲. فرهنگ، فراتراز معانی بین الاذهانی
- ۳۱۵ ۴-۳. فاهمه عمومی و کنش اجتماعی بیانی
- ۳۱۸ \* نمونه‌هایی از محصولات فرهنگی وراء اذهان
- ۳۱۸ • نمادها
- ۳۱۹ • فلسفه
- ۳۲۱ • علوم اجتماعی، حقوق و دین اجتماعی
- ۳۲۱ • علم تجربی، ادبیات و زبان
- ۳۲۲ • پیام‌های موجود در تکنولوژی مربوط به ساحت بیان
- ۳۲۲ ۵. بررسی اجمالی تعاریف برخی از جامعه‌شناسان
- ۳۲۳ ۵-۱. گیدنز
- ۳۲۵ ۵-۲. مالینووسکی
- ۳۲۷ ۵-۳. فیرث
- ۳۲۸ ۵-۴. تایلور
- ۳۲۸ ۵-۵. باتامور
- ۳۳۰ ۵-۶. هوسرل
- ۳۳۳ **فصل پنجم: گستره فرهنگ**
- ۳۳۶ ۱. تعریف گستره فرهنگ
- ۳۳۷ ۲. اهمیت احصاء ساحت‌های مختلف گستره فرهنگ
- ۳۳۸ ۳. ساحت‌های متعدد فرهنگ
- ۳۳۸ ۳-۱. ساحت نخست- اجزای مسلم فرهنگ
- ۳۳۹ ۳-۲. ساحت دوم- امور ابرازی فرهنگ (معانی جلوی صحنه اجتماعی)
- ۳۴۰ ۳-۲-۱. ضرورت پذیرش و تقبل همگانی در امور ابرازی فرهنگ
- ۳۴۱ ۳-۲-۲. امور ابرازی و فربه‌سازی فرهنگ

- ۳۳۱ ۲-۳. مثال‌هایی از امور ابرازی در گستره فرهنگ
- ۳۳۱ \* متون مرجع
- ۳۴۲ • مرجعیت و شکل‌دهی فرهنگ در متون مرجع
- ۳۴۲ • تفاوت محصول فرهنگی کمک‌کننده به فرهنگ...
- ۳۴۳ \* نمادهای اجتماعی
- ۳۴۴ • وجود مفاد سلبی و ایجابی در نمادها
- ۳۴۴ \* زبان
- ۳۴۵ • دلیل سرشاری بسیار نیرومند زبان از حیث فرهنگی
- ۳۴۵ • امکان اختفای ریشه‌ها و اشباعات سرشاری زبان
- ۳۴۶ \* انواع متون دانشی
- ۳۴۶ • انواع ارتباط‌گیری فلسفه با فرهنگ جامعه
- ۳۴۷ • علوم انسانی و حضور در فرهنگ برحسب پذیرش
- ۳۴۷ • اندک بودن ارتباط علوم تجربی با فرهنگ...
- ۳۴۸ \* دین اجتماعی و پذیرفته شده به صورت مکتوب
- ۳۵۰ \* انواع بیان‌های هنری مقبول
- ۳۵۰ ۳-۳. ساحت سوم- آداب و رسوم شکل‌دهنده رفتارهای اجتماعی
- ۳۵۲ \* کشف آداب در تشابه رفتارهای مردم یک جامعه
- ۳۵۲ ۳-۴. ساحت چهارم- مصنوعات اجتماعی
- ۳۵۳ ۳-۴-۱. نمونه‌ها و مثال‌هایی از مصنوعات اجتماعی
- ۳۵۳ \* مسجد
- ۳۵۴ \* انواع ساختارهای شهری
- ۳۵۵ \* منبر
- ۳۵۵ \* لباس‌های اجتماعی

- \* تکنولوژی ۳۵۶
- معانی موجود در تکنولوژی ۳۵۷
- آداب همراه تکنولوژی ۳۵۸
- لوازم همراه فناوری؛ زمینه سازی بروزات فرهنگی نوین ۳۵۸
- \* دو فضای متفاوت رسانه های نوین؛... ۳۵۹
- ۳-۴-۲. تسری بحث تکنولوژی به تمام مصنوعات اجتماعی ۳۶۱
- ۳-۵. ساحت پنجم- تاریخ ۳۶۱
- ۳-۵-۱. گستره وسیع تاریخ ۳۶۳
- ۳-۵-۲. تاریخ، فرهنگ پیشین امتداد یافته در اکنون ۳۶۴
- ۳-۵-۳. تاریخ به مثابه ماده فرهنگ کنونی ۳۶۴
- ۳-۶. ساحت ششم- امور جعلی و اعتباری ۳۶۵
- ۳-۶-۱. واقعیت امور جعلی در ساحت انسانی ۳۶۶
- \* مبرر استفاده از واژه جعل در توصیف امور جعلی ۳۶۶
- ۳-۶-۲. مثال هایی از امور جعلی جزو فرهنگ ۳۶۷
- \* مثال ۱. کلان ساختارهای اجتماعی یا... ۳۶۷
- \* مثال ۲. خرده ساختارهای اجتماعی ۳۶۹
- \* مثال ۳. برش ها و تقطیعات اجتماعی ۳۶۹
- آثار فراوان برش های اجتماعی ۳۷۰
- \* مثال ۴. زبان ۳۷۱
- \* مثال ۵. بازی ها و ورزش ها ۳۷۱
- \* مثال ۶. رویه ها و قوانین اجرا شده و عینیت یافته در جامعه ۳۷۳
- \* مثال ۷. نمادها ۳۷۳
- ۳-۷. ساحت هفتم- امور طبیعی و دست نخورده ۳۷۴

- ۳۷۵ ۸-۳. ساحت هشتم- کنش های اجتماعی
- ۳۷۷ \* انواع تعاملات کنش اجتماعی با فرهنگ
- ۳۷۷ ۴. نکاتی درباره گستره فرهنگ
- ۳۷۸ ۴-۱. امکان درج امور فرهنگی و اجتماعی در چند ساحت ...
- ۳۷۹ ۴-۲. پیچیدگی پدیده های فرهنگی و ضرورت رصد تمام ابعاد آن ها
- ۳۸۱ ۴-۳. درهم تنیدگی و تأثیرات مثبت و منفی ابعاد و ...
- ۳۸۴ ۴-۴. بازسازی و بازآرایی فرهنگ به حسب موقعیت ...
- ۳۸۶ ۴-۵. عمق، وسعت و عظمت فرهنگ
- ۳۸۶ ۴-۶. امکان فراروی از فرهنگ و تغییر در فرهنگ ...
- ۳۸۹ ۵. نتایج و فروع بحث گستره فرهنگ
- ۳۹۰ ۵-۱. نتیجه اول- فرهنگ امری فراذهنی و عینی
- ۳۹۱ ۵-۲. نتیجه دوم- خلق مدام فرهنگ
- ۳۹۴ \* لوازم پذیرش خلق مدام فرهنگ
- ۳۹۴ • رصد تغییرات فرهنگ، رصدگران فرهنگ ...
- ۳۹۶ • به دست آوردن معیارهایی برای تبیین فرهنگ
- ۳۹۶ • امکان تحلیل تغییرات انفجاری فرهنگ
- ۳۹۷ • اهمیت رصد تغییرات امور جزئی و کوچک ...
- ۳۹۸ ۵-۳. نتیجه سوم- فرهنگ زایی ساخت عینی و ساختارزایی فرهنگ
- ۴۰۰ \* یک سویه نبودن ساختارزایی و جامعه زایی فرهنگ
- ۴۰۰ ۵-۴. نتیجه چهارم- تضاعفی بودن فرهنگ
- ۴۰۱ ۵-۵. نتیجه پنجم- قابلیت فهم و انتقال فرهنگ
- ۴۰۵ ۵-۶. نتیجه ششم- اثرپذیری فرهنگ از کنش و ساختار
- ۴۱۳ ۵-۷. نتیجه هفتم- ریشه داری فرهنگ در اعماق تاریخ

فصل ششم: لایه‌های فرهنگ

۴۱۷

۱. اهمیت بحث لایه‌های فرهنگ

۴۲۰

۲. تقسیم‌بندی کلان فرهنگ؛ لایه ظاهر و لایه باطن

۴۲۰

۲-۱. دلیل و مبرر امکان تقسیم فرهنگ به لایه‌های ظاهر و باطن

۴۲۲

۲-۲. نسبت ظاهر و باطن

۴۲۳

۳. لایه‌های سه‌گانه فرهنگ برحسب تقسیم دیگر

۴۲۴

۳-۱. لایه اول؛ معانی کلان بنیادین و ماهیت این معانی کلان

۴۲۴

۳-۱-۱. احصاء امور بنیادین باطنی فرهنگ

۴۲۷

۳-۱-۲. امور مختلف مؤثر در ساخت لایه بنیادین فرهنگ

۴۲۹

\* اهمیت دین و شبه‌دین در تأمین مغزو معانی کلان فرهنگ

۴۲۹

\* فلسفه و لایه بنیادین فرهنگ

۴۳۰

• امتدادبخشی فرهنگی به فلسفه

۴۳۰

\* کلام و لایه بنیادین فرهنگ

۴۳۳

\* هنر و لایه بنیادین فرهنگ

۴۳۶

\* معرفت‌شناسی و لایه بنیادین فرهنگ

۴۳۷

\* عرفان و لایه بنیادین فرهنگ

۴۳۹

۳-۱-۳. راهبرد تمدنی مطلوب (راهبرد تقییمی و تصحیحی فرهنگ) ۴۳۹

۴۳۹

۳-۱-۴. نسبت معانی بنیادین با یکدیگر

۴۴۰

۳-۱-۵. روابط طولی یا عرضی چهره غالب لایه بنیادین

۴۴۳

۳-۱-۶. لایه بنیادین فرهنگ و سبک زیست اجتماعی

۴۴۳

۳-۱-۷. لایه‌های بنیادین و الگوپذیری

۴۴۵

۳-۱-۸. شکل‌گیری لایه‌های بنیادین و هویتی فرهنگ

۴۴۶

۳-۲. لایه دوم؛ لایه میانی فرهنگ و ماهیت این لایه

۴۴۷

- ۴۵۲ \* چهره شبکه‌ای اجزاء لایه میانی فرهنگ
- ۴۵۵ ۳-۳. لایه سوم؛ لایه ظاهری (رویین و سطحی) فرهنگ
- ۴۵۶ ۳-۳-۱. گستره لایه ظاهری فرهنگ
- ۴۵۷ \* زبان و لایه ظاهری فرهنگ
- ۴۵۸ \* علوم تجربی و لایه ظاهری فرهنگ
- ۴۵۹ ۳-۳-۲. تعهد جوامع در به چشم آوردن و ظاهر نمودن...
- ۴۶۲ ۳-۳-۳. چهره غالب ارتباطی اجزای لایه ظاهری فرهنگ
- ۴۶۵ ۴. نکاتی درباره لایه‌های فرهنگ
- ۴۶۵ ۴-۱. حضور تاریخ در هر سه لایه فرهنگ
- ۴۶۶ ۴-۲. حضور امور ابرازی در هر سه لایه فرهنگ
- ۴۶۶ ۴-۳. حضور هنر در هر سه لایه فرهنگ
- ۴۶۷ ۴-۴. حضور دین اجتماع محور در هر سه لایه فرهنگ
- ۴۶۸ ۴-۴-۱. حضور دین در لایه بنیادین
- ۴۶۸ ۴-۴-۲. حضور دین در لایه میانی
- ۴۷۰ ۴-۴-۳. حضور دین در لایه ظاهری
- ۴۷۰ \* پیرامون فهم دین برای پاسخ‌گویی به...
- ۴۷۳ ۴-۴-۴. نتیجه‌گیری در باب حضور دین در لایه‌های سه‌گانه
- ۴۷۳ ۴-۵. تقدم رتبی لایه‌ها و امکان تأخر شکل‌گیری لایه بنیادین
- ۴۷۶ ۴-۵-۱. کسب هویت در لایه بنیادین به دو صورت...
- ۴۷۷ ۴-۵-۲. انسجام‌طلبی فرهنگ علت بنیادسازی و...
- ۴۷۷ ۴-۶. عقلانیت فرهنگ ریشه انسجام‌طلبی فرهنگ
- ۴۷۹ ۴-۷. روی دادن اصلاح نهایی فرهنگ در فرهنگ تراز تمدنی
- ۴۸۰ ۴-۸. تغییر فرهنگ به سبب تغییر ساختار و کنش

۴۸۱. ۴-۸-۱. مثال‌هایی از تأثیر ساختارها بر فرهنگ
۴۸۲. ۴-۸-۲. علت اثرگذاری تغییر مشارکت عینی اجتماعی بر فرهنگ
۴۸۵. ۴-۸-۳. شریعت ختمی و مقاومت در برابر تغییرات فرهنگ ...
۴۸۶. ۴-۹. وجود مؤلفه‌های متعدد همراه اندیشه‌های بنیادین و...
۴۸۸. ۵. نتایج و فروعات بحث لایه‌های فرهنگ
۴۸۹. ۵-۱. نتیجه اول- تنوع فرهنگ‌ها و هویت‌های خاص فرهنگی
۴۸۹. ۵-۲. نتیجه دوم- لایه بنیادین و کیفیت بسط آن در لایه‌های ...
۴۹۰. \* امکان گره‌خوردن هویت به ساخت‌ها و امور عینی ...
۴۹۳. • امکان تغییر هویت‌ها و مهندسی هویت‌های فرهنگی
۴۹۶. ۵-۳. نتیجه سوم- لایه بنیادین و کیفیت بسط آن و روح و...
۴۹۸. ۵-۴. نتیجه چهارم- راه‌های چهارگانه تشخیص هویت فرهنگ
۴۹۸. ۵-۴-۱. راه اول؛ تأویل
۴۹۸. ۵-۴-۲. راه دوم؛ ارتکاز
۵۰۱. ۵-۴-۳. راه سوم؛ اسناد
۵۰۲. ۵-۴-۴. راه چهارم؛ امور عینی ظاهرکننده لایه بنیادین
۵۰۳. ۵-۵. نتیجه پنجم- دو گونه تغییرات فرهنگی: هویتی و غیرهویتی
۵۰۳. \* انواع دریافت‌ها از تغییرات فرهنگی
۵۰۸. ۵-۶. نتیجه ششم- فرهنگ هم جامعه‌ساز و هم جزء جامعه
۵۰۹. ۵-۷. نتیجه هفتم- تحقق روح جامعه به روح فرهنگ
۵۱۰. ۵-۸. نتیجه هشتم- حراست از جامعه با تحکیم هویت فرهنگی
۵۱۳. ۵-۹. نتیجه نهم- فرهنگ اساس سبک زیست اجتماعی
۵۱۴. ۵-۱۰. نتیجه دهم- جایگاه‌یابی علوم مختلف، دین، ...
۵۱۵. ۵-۱۱. نتیجه یازدهم- فرهنگ حقیقتی مترابط و...



۵۱۵ ۱۲-۵. نتیجه دوازدهم- برخورداری هر فرهنگ ...

### فصل هفتم: نحوه وجود فرهنگ

۵۲۱ ۱. تمهید برای ورود در بررسی نحوه وجود فرهنگ

۵۲۲ ۱-۱. چند مثال از تعابیر جامعه‌شناسان مشعربه تلقی‌های خاص ...

۵۲۳ ۱-۲. تعریف وجودی و اثر آن در نحوه وجود

۵۲۶ \* ملاک معقول ثانی بودن مفاهیم

۵۲۷ ۲. کاوش در نحوه وجود فرهنگ و اضلاع موجود در آن به نحو مختصاتی

۵۲۸ ۲-۱. بحث معنا و لوازم آن و نحوه وجود مجرد-مادی فرهنگ

۵۲۸ ۲-۱-۱. مروری بر ساحت‌های حضور معنا

۵۲۸ \* ساحت‌های معناداری کنش انسانی از نظر فردی

۵۲۸ • مرحله اول- ساحت درونی فردی

۵۲۹ • مرحله دوم- ساحت عمل متصل فردی

۵۲۹ • مرحله سوم- ساحت عمل منفصل فردی

۵۳۰ • مرحله چهارم- ساحت مصنوعات و مجعولات ...

۵۳۰ • مرحله پنجم- ساحت امور ابرازی فردی

۵۳۱ • مرحله ششم- امور طبیعی رنگ‌گرفته مانند ...

۵۳۱ \* نحوه وجود معنا در ساحت فردی

۵۳۳ \* ساحت‌های اجتماعی

۵۳۴ • مرحله اول- ساحت درونی اجتماعی

۵۳۴ • مرحله دوم- ظهور معنا در ساحت عمومی

۵۳۴ • مرحله سوم- ظهور معنی در کنش و عمل منفصل عمومی

۵۳۵ • مرحله چهارم- ظهور معانی منفصل در ...

۵۳۵ \* نحوه وجود مجرد-مادی فرهنگ

- ۵۳۶ \* نسبت معنا با امور متصل و منفصل فرهنگی
- ۵۳۷ ۲-۱-۲. فرهنگ و روح جامعه
- ۵۳۸ \* غیرذهنی بودن، عینیت و استقلال فرهنگ و فاهمه عمومی
- ۵۳۸ ۲-۱-۳. اهمیت سطح اول معناداری و عمق فاهمه عمومی
- ۵۳۹ \* تفاوت ترتب شکل‌گیری معانی منفصل و متصل...
- ۵۴۰ ۲-۱-۴. اهمیت سطح سوم معناداری در عینیت فرهنگ و...
- ۵۴۱ \* علل پدید آمدن معانی منفصل فرهنگی
- ۵۴۶ ۲-۱-۵. مشارکت عینی و فرهنگ به مثابه صورت و...
- ۵۴۷ \* تبیین اصطلاح صورت:
- ۵۴۹ ۲-۱-۶. امور ابرازی فرهنگ، مرکب از صورت و معنی فرهنگی
- ۵۵۱ ۲-۱-۷. بازتعریف اول فرهنگ بر اساس مباحث نحوه وجود...
- ۵۵۱ \* پشتوانه‌های فلسفی تعریف جدید فرهنگ
- ۵۵۶ ۲-۱-۸. ادبیات جدید ناشی از نحوه وجود در توصیف...
- ۵۵۶ ۲-۱-۹. چرخه فرهنگ و بازتعریف دوم از فرهنگ
- ۵۵۹ ۲-۲. انباشت معنا در فرهنگ و نحوه وجود انتشاری، ترکیبی و توحیدی آن
- ۵۵۹ ۲-۲-۱. هویت مجموعی و غیربسیط فرهنگ
- ۵۶۰ \* مناشی انتشار فرهنگ
- ۵۶۲ ۲-۲-۲. هویت توحیدی و مزاج ترکیبی فرهنگ
- ۵۶۲ \* استدلال اول بر توحید فرهنگ؛ از راه درهم‌تنیدگی
- ۵۶۲ \* استدلال دوم بر توحید فرهنگ؛ از راه انسجام طلبی...
- ۵۶۳ \* استدلال سوم بر توحید فرهنگ؛ از راه ترتب لایه‌های فرهنگ
- ۵۶۳ • بحثی درباره توحید لایه بنیادین
- ۵۶۴ \* نتیجه‌گیری:

- ۵۶۵ ۲-۲-۳. جمع‌بندی نحوه وجود فرهنگ براساس...
- ۵۶۷ ۲-۳. سیالیت فرهنگ و نحوه وجود سیال و متحرک آن
- ۵۶۸ \* نتیجه‌گیری از نحوه وجود سیال و متحرک فرهنگ
- ۵۶۹ ۲-۴. سمت‌های فاعلی و سریانی فرهنگ...
- ۵۷۰ ۲-۵. تاریخ و فرهنگ و نحوه وجود اتصالی از گذشته تاکنون...
- ۵۷۱ ۲-۵-۱. دو نوع فرهنگ؛ فرهنگ‌های نوپدید و فرهنگ‌های...
- ۵۷۱ ۲-۵-۲. نسبت فرهنگ و تاریخ
- ۵۷۲ ۲-۵-۳. تاریخ‌مندی فرهنگ به میزان جذب تاریخ در هویت
- ۵۷۳ ۲-۵-۴. روش کشف تاریخ فرهنگ
- ۵۷۳ ۲-۵-۵. تغییرات هویتی و عدم محرومیت از تاریخ پیشین‌تر
- ۵۷۴ ۲-۵-۶. تاریخ؛ حافظه جامعه
- ۵۷۵ ۲-۵-۷. نتایج تاریخ‌مندی فرهنگ
- ۵۷۵ \* ارتقای مدام فرهنگ
- ۵۷۶ \* ایام‌داشتن فرهنگ
- ۵۷۶ \* ریشه‌داری فرهنگ
- ۵۷۷ • ظهور ریشه‌داری فرهنگ
- ۵۷۸ \* ایجاد تجربه انباشتی اجتماعی و ایجاد آداب و رسوم
- ۵۷۹ \* سمت‌وسوی آینده داشتن فرهنگ و پیش‌بینی‌پذیری آن
- ۵۸۱ ۲-۶. سریان فرهنگ در اعضای جامعه و نحوه وجود واحد ساری...
- ۵۸۳ ۳. نتایج نحوه وجود فرهنگ
- ۵۸۳ ۳-۱. نتیجه اول- خصلت‌های فرهنگ ناشی از ویژگی‌های نفس انسانی
- ۵۸۳ \* شمارش و تبیین خصلت‌های فرهنگ مبتنی...
- ۵۸۵ ۳-۲. نتیجه دوم- فهم جامعه از طریق فرهنگ

۳-۳. نتیجه سوم- غرق در معنا بودن به حسب زیست اجتماعی... ۵۸۵

\* زیست اجتماعی معنایی منشأ خطا در ذهنی یافتن فرهنگ ۵۸۶

۳-۴. نتیجه چهارم- عینیت هویت فرهنگ با هویت جامعه ۵۸۷

\* نتایج اتحاد هویتی فرهنگ و جامعه ۵۸۷

۳-۵. نتیجه پنجم- تأثیر هر امر فرهنگی نوپیدا در تغییر آرایش... ۵۹۰

۳-۶. نتیجه ششم- شبیه سازی رفتاری افراد در فرهنگ ۵۹۱

۳-۷. نتیجه هفتم- حیات فرهنگ ۵۹۲

۳-۷-۱. کیفیت تحقق حیات فرهنگ ۵۹۲

۳-۷-۲. علم و قدرت جمعی فرهنگ ۵۹۴

۳-۸. نتیجه هشتم- شدت و ضعف مزج یافتگی فرهنگ و آثار آن ۵۹۴

۵۹۷

کتاب نامه

۶۰۵

نمایه

## سخن پژوهش‌کنده تمدن توحیدی

باسمه‌تعالی

کتاب حاضر تمرکزی مستقیم و درجه اول «بر» فلسفه فرهنگ آن هم مبتنی بر «تراث معقول اسلامی» به خصوص حکمت اسلامی دارد؛ در ایران معاصر گاه مباحثی «پیرامون» فلسفه فرهنگ مطرح شده است و گاه مباحثی دیگر که آثار و لوازمی در حوزه فلسفه فرهنگ داشته است اما این ادعا بی‌راه نیست که کمتر اثری را می‌توان یافت که عمده بافت آن، خود را عهده‌دار چنین امری بداند؛ آنچه با عنوان فلسفه فرهنگ عرضه شده، یا گزارش‌گر نگاه‌های شرقی و غربی - بیشتر هم - غربی بوده یا به شکلی درجه دوم و ثانوی درباره فلسفه فرهنگ سخن گفته است. تمرکز درجه اول بر فرهنگ به نحو فلسفی را هم به دو معنا می‌توان قرائت نمود؛ هم در قبال نگاه‌های درجه دو و ثانوی به این دانش و از جنس فلسفه فلسفه یعنی از جنس فلسفه مضاف به علم و نه از جنس فلسفه مضاف به موضوع و هم در قبال نگاه‌های خلیط و فاصله‌گرفته از تراثمان. از یک سو، انقطاع تدریجی از سنت فلسفه‌ورزی فارابی که می‌توان آن را فلسفه‌ای اجتماعی و انضمامی و به تعبیر برخی فلسفه

فرهنگ خواند و از دیگر سو، نیاز معاصر ما برای فهمیدن مقوله‌های پیوسته به حیات اجتماعی مان و نقش آفرین در میدان زندگی مان به شکلی مباشر و نه از دریچه عالم اندیشه و باور، متفکران معاصرمان را برآن داشته بکوشند حسب سائق فکری و بن‌مایه‌های دانشی خویش، سخنی در خور این نیاز به میان آورند. سامان این نیاز و پاسخ واقعی بدان نه با یک هم‌آوردی و نه با یک مبارزه فکری به سرانجام می‌رسد؛ مسیر اما آغاز شده است. صاحب این کتاب هم همچنان که خود اعتراف دارد از تلاش‌های پیشین آموخته است، اما به وضوح می‌توان گفت حاصل تلاش ایشان به واسطه قدرت بازخوانی راحت و روان از حاق و روح تراث فکری-فلسفی که منضم به نگاه‌ها و تحلیل‌های جدی تاریخ فکر و اندیشه اسلامی هم هست، گامی جدی و به‌جلو همراه با انضباط‌های جدی روش فلسفه و تفکر در تراث اسلامی در موضوع مورد اهتمام یعنی «فرهنگ» است؛ گرچه همین مدعا را می‌توان تا حدی درباره موضوع مرتبط دیگر یعنی «جامعه» هم علی‌رغم تمرکز اصلی کار بر فرهنگ، داشت. گزارش تلاش‌های ما در دهه‌های گذشته برای فهم و توصیف فرهنگ و جامعه، خود می‌تواند نسبت این اثر را با آنچه پیش‌تر انجام شده، مشخص سازد؛ کاری که این سطور کوتاه نمی‌تواند عهده‌دار آن باشد.

کتاب حاضر در بررسی‌اش خود را گرفتار تنوعات و تغایرهای تعاریف فرهنگ نمی‌کند، در عالم انتزاع و با فاصله هم از فرهنگ نمی‌ایستد، به بهانه اینکه از منظری اسلامی می‌خواهد سخن بگوید، تحقق فرهنگ را در عالمی وراء این دنیای مادی و حیات روزمره جست‌وجو نمی‌کند، موضعی ارزش‌پایه درباره فرهنگ اخذ نمی‌کند با این‌که ضرورت تقییم فرهنگ را نیز انکار نمی‌کند، این کتاب می‌خواهد

به همان پدیده‌ای «ناظر» باشد که هم‌اکنون همگان از فرهنگ مراد می‌کنند، اما پایگاه سخن او تراث اسلامی است؛ تراثی که می‌تواند با انگاره‌های غربی اعم از جامعه‌شناسانه و فیلسوفانه‌اش هم‌سخن گردد؛ هم از آن‌ها بیاموزد و هم بدان‌ها بیاموزد، البته همان‌طور که خود را گرفتار تغایرها و تنوعات تعریف فرهنگ نکرده است در بسیاری از مسائل و مثال‌های پیرامونی به ادبیات علمی متداول مانند مباحث نماد و نشانه‌شناسی، معناشناسی و زبان‌شناسی هم عامدانه ارجاع نداده است و حداکثر به اشارات ضروری اکتفا کرده است.

کتاب حاضر ادعای شمول و طرح همه سخنان درباره فلسفه فرهنگ را ندارد. کتاب، سخن خود را در قالب فصولی با چینی‌سازی به نسبت منطقی به مثابه ایستگاه‌هایی برای پیمودن یک مسیر تحقیق فلسفه اسلامی در موضوع فرهنگ بدون اشباع متن از ادبیات حاد هستی‌شناسانه فلسفه اسلامی عرضه نموده است. سررشته سخن گسیخته، متفرق و گسترده دامن نیست بلکه پرمؤلفه و چگال است. این بدان معنا نیست که کتاب انبوهی از قواعد و مفاد فلسفه اسلامی را بر سر خواننده آوار سازد. کتاب سعی کرده است با بازخوانی درست و در زمینه مناسب موضوع مورد بررسی، به حداقلی از آن‌ها تمسک کند. فهرستی از این موارد چنین است: رویه و روند تصمیم‌گیری در انسان و نشان دادن ابتدای آن بر شعور و اراده، نسبت ظاهر و باطن و ظرفیت باطن در عمق‌یابی، بدن نازله روح انسانی، اتحاد عمل و عامل، اتحاد عقل و عاقل و معقول، بسط روح به واسطه عمل و حرکت جوهری انسان. اما با حذف همین قواعد و ادبیات بازم امکان گفت‌وگوی فعال اثر با خوانندگان وجود دارد؛ به عبارتی شکل طرح قواعد چنین نیست که ابتدای تمام عیار توصیفات بر آن قواعد باشد بلکه بهره‌مندی از قواعد،

عمق استدلالی را افزوده و آرامش خاطر را برای ذهن فعال پرسش‌گر فراهم می‌کند و درعین حال بافت پایه‌ای و مبنایی کار را آشکار می‌کند. خلاصه آنکه اسلامی بودن فکر فلسفی‌اش باعث نمی‌گردد زبان و اصطلاحات آن یکسره در فضای فلسفی منعقد گردد بلکه دست‌کم در نیمی از فصول، زبانی عمومی دارد که برای دانشجویان و علاقه‌مندان اهل حوصله، فرصت ارتباط‌گیری فعال فراهم می‌آورد، چنانکه خواننده می‌تواند موافقت یا مخالفت داشته باشد، حتی لوازم مخالفت خود را پی‌جویی نموده، تعمیم و بسط دهد و نتیجه‌گیری نماید. طبیعی است که خواننده در حین مطالعه، پرسش‌هایی بیابد که اگر یک دور کامل، مطالعه را به انتها برساند، بسیاری از پرسش‌ها دست‌کم از منظر اندیشه مطرح در کتاب قابل حدس خواهد شد، ولی در هر صورت اثر مدعی پاسخ‌گویی جمیع جوانب نگاه فلسفی (حتی فلسفه اسلامی) و به شکل اولی تمام پرسش‌ها در حوزه فرهنگ‌پژوهی کلان نیست. کتاب حاضر چه آورده‌هایی برای چه کسانی دارد؟ گزاف نیست اگر مخاطبش را از کنش‌گر عرصه فرهنگ تا سیاست‌گذار و متفکر دغدغه‌مند نسبت به فلسفه فرهنگ و حتی علاقه‌مندان به علوم انسانی اسلامی بدانیم؛ آنان که درباره فرهنگ دغدغه دارند و می‌خواهند در میدان و به شکل مستقیم تغییراتی جهت بهبود فرهنگ ایجاد کنند عرض و طول فرهنگ را نمی‌شناسند و به خاطر خاصیت همه‌جایی و سیال فرهنگ، ارتباط‌گیری ملموس با فرهنگ برایشان سخت می‌شود. چارچوبی که از خواندن این کتاب در ذهن ایشان نقش می‌بندد به علاوه تلقی‌ای که از هویت و چیستی فرهنگ به دست می‌آورند در مقام عمل می‌تواند راهنمای ایشان باشد. همین موضوع در سطوح بالاتر اندیشه‌ای برای سیاست‌گذار فرهنگ قابل طرح است. آنان که دغدغه‌های نظری



و بنیادکاوانه دارند سهمی بیشتربرخواهند گرفت و می‌توانند حتی بر پایه مناقشه با محتویات کتاب گامی رو به جلو بردارند، به‌خصوص اینکه در آفتابی شدن برخی پیش‌فرض‌های اهالی علوم اجتماعی - که ناظر به فرهنگ‌اند - مؤثر است. شیوه پرداخت فلسفی کتاب نسبت به یک امر روزمره و اجتماعی هم می‌تواند به شدت الهام‌بخش باشد؛ این کتاب پیشنهادی برای چگونگی امتدادبخشی به سنت فکر بنیادین اسلامی با تمرکز بر یک موضوع خاص است. شاید بتوان همین شیوه و انضباط را در مواجهه با سایر موضوعات روزمره مورد نیاز پی گرفت؛ چنانکه روند بررسی سایر موضوعات اجتماعی ولو در مقام تعریف به نسبت آنچه این جا درباره فرهنگ انجام شده، تکرارپذیر است: شروع از شرح‌الاسم، پرسش از تحقق خارجی و در نهایت واکاوی چیستی واقعی شیء، بهره‌مندی از مفاهیمی که تا حد معقول ثانی برآمده‌اند در تعریف این امور عینی و نیز امتداد شناخت این امور با روند تمرکز بر نحوه وجودشان، می‌تواند قابل استفاده باشد. یا این‌که روندی که اصل اندیشه برای صاحب کتاب شکل گرفته، شاید تا حدی قابل پی‌جویی در امور مشابه باشد؛ این‌که برای شناخت فرهنگ (موضوع محوری این کتاب) ابتدا دقت شده که چه اموری فرهنگی‌اند و سپس بررسی گردیده که در تمام این امور چه امر مشترکی وجود دارد (که در این کتاب معنا، تشخیص داده شده است) و سپس ابتدای تحقیق بر این امر مشترک و مهندسی معکوس مسیر (شروع از معنا و بیان پایه‌های شکل‌گیری و معنامندی انسان و این‌که در فضای جمعی چگونه معنا به تداول می‌افتد و به صورت جمعی تغیر می‌پذیرد و بعد پی‌جویی این معنای حاصل مشارکت جمعی در حیطه‌های مختلف انسانی و پس از آن بازخوانی‌اش در نسبت طولی و عمقی با یکدیگر و در نهایت

جمع‌بندی براساس مقدمات فراهم‌آمده در کل فصول کتاب). نباید متوهمانه متوقع شد که این کتاب یک خط تولید پاسخ‌گویی معقول اسلامی به نیازهای معاصر راه‌اندازی کند! به‌خصوص آنکه شیوه‌ها نه مولد و زایای پاسخ‌ها بلکه هدایت‌گر تلاش‌ها برای یافتن پاسخ در چارچوب‌های ویژه‌اند.

کتاب حاضر مسیری طولانی را پیموده است؛ در ابتدا دغدغه و تشخیص جناب استاد سیدیدالله یزدان‌پناه خطاب به مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی و پژوهش‌گده تمدن توحیدی وابسته بدان، مبنی بر ضرورت توجه به نسبت‌سنجی عرفان و فلسفه با فرهنگ و تمدن در میان همکاران این مجموعه مورد واگویی قرار گرفت و نهایتاً در قالب طرحی با دبیری حجت‌الاسلام عباس حیدری‌پور، پیشنهاد تشکیل جلسات محضر جناب استاد تقدیم شد. با موافقت اولیه ایشان و اعلام همراهی روحانیون اهل فضل و دغدغه‌مند و صاحب‌نظر در حوزه‌های مطالعات فرهنگی و تمدنی، نخستین جلسه در آذرماه سال ۱۳۹۳ منعقد گردید. پیشنهاد جلسه این بود که با تمرکز بر حوزه فرهنگ و با ارائه جناب استاد یزدان‌پناه گفتگوهای مستمری شکل بگیرد. استاد از همان ابتدا اصرار داشتند که دیگر عزیزان نیز طرح و انگاره‌های خویش را به میان آورند اما جلسه این امر را بدون این‌که رد کند، در عمل موکول به تقدم ارائه استاد نمود. هسته اولیه مطالب جناب استاد دست‌کم به شکل اجمالی در درس خارج نه‌ایه ایشان ناظر به مسئله فرهنگ طرح شده بود، اما حضور مشتاق و فعال صاحب‌نظران مطالعات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، تمدنی و حتی عزیزان دیگری در حوزه حکمت و عرفان اسلامی، آن هسته اولیه را در بیان استاد به تفصیل کشید چنانکه تا اردیبهشت سال ۱۳۹۵ به تدریج و نوعاً طی جلسات دو هفته در

میان، در خلال سال تحصیلی، با ارائه ایشان بخش عمده مباحث این کتاب طی ۲۵ جلسه به نقطه پایانی رسید. جز جلسه نهم که با پیگیری و محبت ویژه حجت الاسلام شیخ عبدالحمید واسطی معاون برنامه ریزی وقت مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی و همراهی کریمانه حجت الاسلام محمد محسن دعائی مدیرعامل محترم آن مؤسسه در مشهد مقدس منعقد شد و ابتهاج معنوی حاصل از زیارت آستان حضرت ثامن الحجج علاوه بر بهره علمی هنوز در خاطر مانده است، بقیه جلسات در قم و در سایه الطاف حضرت معصومه علیها السلام در مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی (فتوت) منعقد گردید. معمولاً جلسات پیاده سازی اولیه می شد و یا دست کم گزارشی از هر جلسه پیشین روی میز جلسه جدید قرار می گرفت. تدوین جدی، کمی دیرتر و پس از پایان ارائه ها شروع شد و پس از پیاده سازی دقیق تر و با اقدام حجت الاسلام والمسلمین سید علی موسوی، طرح اولیه کتاب با اشراف و نظر جناب استاد ریخته شد. همان هنگام بود که مشخص گردید برخی مقدمات ضروری و خصوصاً مباحثی ناظر به حوزه اجتماعی و نیز انسان شناسی فلسفی باید به ابتدای این اثر افزوده شود. از این رو طی چندین جلسه حضوری، سرخط های محتوایی از استاد اخذ شد و همراه با محتویات مرتبط جلسات ارائه، چهار فصل نخست کتاب را شکل داد. در ادامه به واسطه برخی مسئولیت های حجت الاسلام موسوی، تدوین به دیر جلسات سپرده شد و پس از تدوین سه فصل پایانی و با یک قلم واحد، متن اولیه کتاب خدمت استاد تقدیم شد. ایشان با حوصله همیشگی تمام متن را ملاحظه نموده، مطالبی را اصلاح و مطالبی دیگر را افزودند، سپس ماکت اولیه برای اخذ بازخورد در سال ۱۳۹۷ آماده گردید. این ماکت اولیه به تعداد محدود میان اعضاء جلسات حضوری و نیز برخی

دیگراز صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی توزیع و درخواست بازخورد داده شد. هیچ یک از بازخوردها شاکله کلی کار و محتواهای پایه آن را تغییر نداد اما ملاحظات بسیار مغتنمی را جهت بهبود و تنظیم مطلوب تر اثر به میان آورد. پس از این مرحله، کتاب در یک جمع محدود طلبگی مورد مباحثه قرار گرفت اما گزارش مباحثات بسیار دیر هنگام و با تأخیر فراوان خدمت استاد تقدیم شد. مرحله ای که عمده تأخیر دو یا سه ساله انتشار کتاب ناشی از آن بود و به واسطه درگیری های اعضای گروه تدوین روی داد. در این فاصله عطش علاقه مندانی که از وجود چنین اثری مطلع بودند، حسرت خود گروه تدوین را روزافزون می کرد اما انتخاب گزینه واگذاری به دیگری هم ممکن بود این تأخیر را بیشتر کند و به ناچار کنار گذاشته شد. تحمل و بردباری استاد محترم، شاگردان ایشان و علاقه مندان امتداد بخشی به حکمت اسلامی در حیطه های انضمامی و ناشر محترم جز با اعتداری از سر تواضع و پذیرش قصور و تقصیر گروه تدوین ارج نهاده نمی شود. به علاوه باید دقت نظر و وسواس و تانی استاد عزیز را ستود که در هربار بازخوانی و اصلاح، تمام کتاب را از ابتدا تا انتها خواندند و اصلاحات نهایی را به گروه تدوین منعکس می نمودند. با این وصف گروه تدوین خود را همچنان مسئول هرگونه نارسایی یا ابهام در انعکاس نظرات استاد می داند. یادآوری این نکته ضروری است که در بازخوانی ها و اصلاحات دقت شد که تکرارها به حداقل برسد ولی باقی ماندن برخی تکرارها که به نظر رسید می تواند در فهم و ارتباط مطالب کمک کار باشد، همچنان باقی ماند. از نمایه موضوعی مفصل ۱۷۰۰ موردی اصطلاحات کتاب که برای کمک به مطالعه بهتر اثر فراهم شده بود هم با همین رویکرد اکتفاء به حداقل ها و کاهش صفحات کتاب با نظر مشورتی ناشر محترم، کمتر از ۵۰۰ مورد باقی گذاشته شد.

کتاب حاضر امکان تدوین در قالبی شفاهی و متناسب با فضای ارائه در جلسات بیست و پنج گانه را داشت و بنابراین می‌بایست نکات، مناقشات، سؤالات و همراهی‌های حضار به نام خود ایشان رقم می‌خورد اما با انتخاب مسیر شکل‌دهی یک خروجی در قالب یک روایت واحد و مکتوب و برپایه ارائه‌های استاد یزدان‌پناه، از آنجا که ایشان در قبال طرح مباحث اساتید و حاضران، هم در جلسات و هم در بیرون از جلسات، اتخاذ موضع و مبنا داشتند، همه مواجعات سلبی و ایجابی از دریچه نگاه و نظام اندیشه‌ای جناب استاد تدوین گردید. طبعاً دیگران به غنای اثر کمک قابل‌اعتنایی داشته‌اند و حتی ممکن است برخی از حضار محترم همچنان نظرات متفاوتی داشته باشند ولی چون این متن مسئولیت انتقال نظام اندیشه‌ای استاد یزدان‌پناه را در این موضوع بر عهده گرفته، شکل نگارش کاملاً یکپارچه‌ای یافته است. اما این امر باعث نمی‌شود نام نیک حضار که عمده ایشان از همان ابتدا تا انتهای ارائه‌ها همراه و مددکار بودند، به رسم ادب ذکر نگردد و از حوصله و مشارکت علمی ایشان اعم از مناقشات، طرح ابهامات و تعارضات، ایجاد شقوق و تفصیلات، نسبت‌سنجی‌ها و حتی طرح مثال‌های محسوس برای مباحث تشکر نگردد؛ حجج اسلام آقایان دکتر محسن الویری، دکتر حبیب‌الله بابایی، دکتر احمد رهدار، استاد علی‌امینی‌نژاد، دکتر محمدعلی میرزایی، استاد محمدرضا فلاح شیروانی، حسین وظیفه‌عالی در عمده این مسیر یاری‌گر بودند. شاید مناسب‌ترین دعا در این مقام علاوه بر طلب «عافیت» در معنای جامع آن، تمنای تحقق آرزوی جناب استاد یزدان‌پناه در نگارش اثر مستقل و مفصل هریک از ایشان در حوزه فرهنگ به قلم خود این عزیزان باشد، گرچه بسیاری از این عزیزان بخش‌هایی از طرح و تلقی خود را به واسطه تعلق

به حوزه مطالعات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و تمدنی پیش از این هم به مخاطبان علاقه‌مند عرضه کرده‌اند. در پایان لازم است از همه کسانی که ماکت اولیه کتاب را مطالعه نمودند و بازخوردهایی عرضه کردند به خصوص روحانی فاضل جناب آقای وحیدرضا طراوت که مشارکت بسیار فعالی در مباحثه نهایی اثر و ارائه پیشنهادات کارساز در بهبود نگارش و رفع برخی تعارض‌های بدوی داشتند، تشکر نمایم و از خدای متعال برای تمام ایشان توفیقات روزافزون طلب نمایم.

## مقدمه

### باسمه تعالی

سپاس خدایی را سزاست که روح خداوندی‌اش را در انسان دمید و بدین وسیله وی را به قله شرافت و کرامت در بین مخلوقات رساند و جلوه‌ای از این روح خداوندی را در جامعه و فرهنگ نهاد و هر فرهنگی را زمینه‌آشنایی، ارتباط و اتصال افراد در آن جامعه قرار داد، و درود بی‌پایان بر خاتم رسولان محمد ﷺ و آل طیب و طاهرش که فرموده‌هایشان شاخص و میزان برای سنجش همه فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست.

فرهنگ پدیده‌ای اجتماعی است که جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان هریک به شکلی به بررسی و تحقیق در باب آن پرداخته‌اند. مقوله فرهنگ را بی‌آنکه فرهنگ خاصی مدّ نظر باشد، می‌توان از منظر فلسفی هم مورد کاوش قرار داد. به‌طور طبیعی ورود فلسفه در باب فرهنگ ورودی با اقتضائات و لوازم خاص خود است. ابزارهای مفهومی آن

---

۱. اشاره به آیه ۱۳ سوره حجرات؛ «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»: بنگرید به تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۲۶.

مفاهیم معقول ثانی فلسفی، مبانی آن قواعد بنیادی عقلانی فلسفه و روش آن روش عقلی ویژه هر موضوع خواهد بود، درعین‌آنکه فلسفه می‌باید به واقعیت عینی فرهنگ توجه کند و به تحلیل و تبیین فلسفی چنین واقعیتی مبادرت ورزد.

اثرپیش‌رو تلاشی فلسفی برای دستیابی به حقیقت فرهنگ و نحوه تقرر آن از منظر فلسفه اسلامی با رویکرد کشف واقع است.

امتداد دادن فلسفه اسلامی تا ساحت موضوعاتی همچون جامعه و فرهنگ یک نیاز مبرم امروز ماست. در این اثر تلاش شده است از پایگاه سنت معقول اسلامی به سمت تبیین مسائلی چون جامعه و فرهنگ خیز برداشته شود و با امتداد فلسفه اسلامی در این حوزه‌ها بر فربهی فلسفه اسلامی افزوده گردد.

اصولاً تلاش در حوزه امتدادهای فلسفی با مشکلات ویژه خود روبه‌روست. حفظ پایگاه و منظر فلسفی در عین توجه به واقعیت مورد بررسی، خود مشکل نخست چنین تلاشی به شمار می‌آید، زیرا درک واقعیت آن‌گونه که هست، خود با صعوبت‌هایی همراه است و از سوئی درک واقعیت ما را نباید از منظر فلسفی دور نماید و این امر بردشواری کار می‌افزاید. کلاف سردرگم بودن چنین تلاش‌هایی از دشواری‌های دیگر کار است و می‌باید با تلاش‌های فراوان راه درست را باز کرد و به نقطه عزیمت و سرآغاز واقعی بحث دست یافت. چنین مسئله‌ای ورود در مسائل نوین را به امری شاق و طاقت‌فرسا مبدل می‌کند.

جست‌وجوی مبانی فلسفی مورد نیاز به دلیل بکر بودن کار از سختی مسیر خبر می‌دهد و گاه فقدان برخی مبانی و مقدمات در فلسفه صعوبت کار را صدچندان می‌کند و نیازمند تأسیس اصول و قواعد و مبانی نو فلسفی است. سازمان‌دهی مسائل و مباحث متعدد و



متنوع و جهت‌دهی آن در فراچنگ آوردن فلسفی موضوع پژوهش نیز با مشکلاتی همراه است.

ما در این اثر نیز با چنین دشواری‌هایی روبه‌رو بودیم، اما به توفیق الهی و به برکت غنای فلسفه اسلامی و به مدد تلاش‌های پیشین صورت گرفته و به همت سرورانی که در جلسات ما را همراهی و راهنمایی نمودند، از این مسیر دشوار عبور کردیم که اثر حاضر ما حاصل این تلاش است.

این اثر در حقیقت مربوط به حوزه فلسفه فرهنگ و نگاه‌های کلان و فلسفی به اصل حقیقت فرهنگ است، بی‌آنکه فرهنگ خاصی مد نظر بوده باشد. اما در این مسیر تلاش شد از منظر فلسفه اسلامی به ویژه حکمت متعالیه به فرهنگ به سان واقعیت مزج‌یافته حقیقی همراه با ادبیات وجودی پرداخته شود.

این زاویه نگاه و این رویکرد تقریباً رویکرد نوینی است و نگرشی نو در فلسفه فرهنگ به شمار می‌آید. برخی از زاویه‌های اعتباریات به فرهنگ و جامعه نگریسته‌اند؛ در این اثر از این زاویه نگریسته نشد. صاحب این قلم نسبت به این زاویه دید نقدهای جدی دارد که در درس خارج نه‌ایة الحکمه در بحث نفس الامر بدان اشاره کرده است.

اما باید یادآور شد این اثر نمی‌خواهد به همه مباحث ذیل فلسفه فرهنگ پردازد. در این اثر تنها مباحث کلان و اساسی همچون چیستی فرهنگ (دستیابی به حقیقت فرهنگ)، عینیت فرهنگ (فرا تراز حقیقت بین‌الاذهانی)، گستره فرهنگ (شمارش ساحت‌های مختلف فرهنگ و ردیابی آن در جامعه با همه تنوع‌اتش)، لایه‌های فرهنگ (تعیین سطوح و لایه‌های پنهان و آشکارش) و نحوه وجود فرهنگ (دستیابی به نحوه تقرر فرهنگ در جامعه و جهات وجودی فرهنگ) مورد کاوش قرار گرفته‌اند.

این دسته مباحث، فیلسوف را دقیقاً به واقعیت فرهنگ نزدیک می‌نماید و از سویی چارچوبی مبنایی برای جامعه‌شناسان خواهد بود. جامعه‌شناسان، آشکار و پنهان چنین مبانی‌ای را پذیرفته‌اند که گاه بدون آنکه قوت‌های فلسفی لازم برای این امر فراهم آمده باشد در این مسند نشسته و نظر داده‌اند. به هر روی این‌گونه مبانی در فلسفه فرهنگ می‌تواند جامعه‌شناسان را هم به دقت بکشاند و حتی اگر بخواهند طرح دیگری در اندازند چاره‌ای جز ورودی فلسفی با شایستگی‌های بایسته نخواهند داشت.

اندیشه‌های فراهم‌آمده در این اثر می‌توانست سه گونه گزارش شود؛ گزارشی بسیار عمیق و تخصصی که به‌طور طبیعی مخاطبان محدودی برای آن متصور بود و البته لازم است در جای خود این گزارش به‌سان دفتر دوم نه‌ایة الحکمه درباره مباحث امتدادی فلسفه در جامعه علمی تخصصی مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد.

گزارش دوم گزارشی میانه است با نگارشی نه‌چندان تخصصی برای فرهیختگان، معطوف به فضای انضمامی و با ذکر مبانی فلسفی و چارچوب‌های ویژه آن که طیف متنوع‌تری از مخاطبان را در بر خواهد گرفت و اثر حاضر چنین وظیفه‌ای را برعهده گرفته است. بنابراین می‌توان گفت مخاطبان این اثر هم متخصصان در فلسفه خواهند بود و هم فرهیختگان دغدغه‌مند در باب فرهنگ.

گزارش سوم گزارشی خلاصه و روان از اصل اندیشه فراهم‌آمده در این اثر، در باب فرهنگ و با اجتناب حداکثری از طرح و بحث از مبانی است که مناسب علاقه‌مندان و دانش‌جویان آغازگرپویش‌های فرهنگ‌بنیاد خواهد بود. چنین گزارشی می‌تواند به‌زودی در حجمی کمتر به علاقه‌مندان تقدیم گردد.

آنچه در باب فرهنگ در این اثر مورد تحقیق قرار گرفته، اصل فرهنگ در معنای مشترکش بین فرهنگ‌هاست؛ خواه فرهنگ از آموزه‌ها و گرایش‌های درست برخوردار باشد و خواه چنین نباشد. اما این بدان معنا نیست که فرهنگ قابل ارزش‌گذاری نیست و نمی‌توان و یا نمی‌باید در باب آن سنجش و تقییمی صورت گیرد.

مسئله تقییم فرهنگ هم از مباحث مهمی است که باید در جایش بدان پرداخت. اساساً فرهنگ هم از نظر درونی و سازواری و مبانی پذیرفته خود، قابل نقد و بررسی است و هم از منظر بیرونی با سنجه‌هایی همچون عقل، تجربه، فطرت و از همه مهم‌تر با سنجه وحی الهی و بیانات حجج الهی متصل به وحی الهی که به حقایق معرفتی و حکمت‌های عملی واقعی دست یافته‌اند و آموزه‌هایشان، آموزه‌های قدسی بی‌خطاست.

کتاب حاضر حاصل جلساتی چند (۲۵ جلسه) در بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ است که در ایام تحصیلی حوزوی، در حوزه علمیه قم خدمت برخی از صاحب‌نظران مطالعات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و تمدنی و سرورانی که در حوزه حکمت و عرفان اسلامی به تحقیق و تدریس مشغول بوده‌اند و نیز عزیزانی چند که در این زمینه دغدغه‌مند بوده‌اند، عرضه می‌شد که با مددها و یا نقدها و نیز پرسش‌های شورانگیز و راه‌گشایشان زمینه بسط اندیشه موجود در کتاب و شفافیت آن را فراهم آوردند. در این جلسات حجج اسلام آقایان استاد امینی‌نژاد، دکتر محسن الویری، دکتر حبیب‌الله بابایی، دکتر احمد رهدار، دکتر محمدعلی میرزایی، استاد محمدرضا فلاح شیروانی، حسین وظیفه‌عالی، سیدعلی موسوی و عباس حیدری پور حضور داشته‌اند. این سروران با اینکه هریک دیدگاه ویژه‌ای در این زمینه داشته‌اند با

حوصله مثال زدنی در جلسات حقیر را همراهی کرده، به جد بر غنای کار افزودند. در همین جا از همه این عزیزان صمیمانه تشکر می‌نمایم و توفیق بیش از پیش را برای تک‌تک آن‌ها از خداوند منان خواهانم.

البته مباحث یکی از جلسات بیست و پنج‌گانه به دعوت حجج اسلام سید محمد محسن دعائی و شیخ عبدالحمید واسطی از مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی در جمع برخی علاقمندان و اهل فضل علاوه بر همراهان همیشگی جلسات در مشهد مقدس عرضه شد. وظیفه است از عزیزان پیش‌گفته و دیگر اعزّه‌ای که زمینه این سفر علمی-معنوی را-که امید می‌رود موجب برکات روزافزون اثر حاضر به واسطه الطاف حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام گردد- فراهم آوردند، تشکر و قدردانی نمایم.

نگارش کتاب توسط آقایان حجج اسلام سید علی موسوی و عباس حیدری پور انجام گرفت. حجت الاسلام سید علی موسوی چهار فصل نخست کتاب را به همراه جلساتی افزوده که با حقیر داشته‌اند، به نگارش درآوردند و نگارش فصول بعدی توسط حجت الاسلام عباس حیدری پور صورت گرفت. ایشان کل کتاب را به قلم واحدی مبدل نمودند و فهرست‌های پایانی را نیز افزودند. نگارش کتاب از دل جلساتی که نوعاً با پرسش‌ها و نقدهای پرتعداد همراه بود و یکسان‌سازی آن از یک سو و تبدیل محاوره به متن مکتوب رسمی از سوی دیگر، کار را طاقت‌فرسا کرده بود که این سروران به انجام رساندند. از هر دو عزیز به خاطر این تلاش‌ها سپاس‌گزاری ویژه دارم. حقیر پس از آماده شدن مکتوب اولیه، همه را بار دیگر ملاحظه نموده، در کنار آن مطالبی را که باز نیازمند افزودن بود، افزودم. از این کار ماکتی فراهم آمد و به برخی سروران و اعزّه داده شد تا در باب این اثر نظر دهند تا بتوان براساس

انظار این سروران اصلاحات لازم صورت گیرد. شایسته است در این زمینه از آقایان حجج اسلام دکتر پارسانیا و دکتر خسروپناه، دکتر شریف لک‌زایی و دکتر سجاد صفارهرندی، حجت‌الاسلام سیدفرید حاج سیدجوادی، حجت‌الاسلام مهدی صداقت، سیداحمد موسوی و به خصوص وحیدرضا طراوت به‌خاطر صرف وقت و دقت فراوان در مطالعه اثر قدردانی نمایم.

آثاری از این دست تنها آغازی است بر کاری گسترده و پردامنه که باید دیگران آن را به انتها برسانند. خداوند سبحان را برتوفیق فراهم آمدن این اثر و عرضه آن به جامعه علمی شکرگزارم.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید یدالله یزدان‌پناه، ۱۴۰۰/۵/۱۰، برابر با ۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۲

این اثر تلاشی فلسفی برای دست یابی به حقیقت فرهنگ و نحوه تقرر آن از منظر فلسفه اسلامی با رویکرد کشف واقع است. این اثر در حقیقت مربوط به حوزه فلسفه فرهنگ و نگاه‌های کلان و فلسفی به حقیقت فرهنگ است، بی آنکه فرهنگ خاصی مدنظر بوده باشد.

این کتاب می‌خواهد به همان پدیده‌ای «ناظر» باشد که هم اکنون همگان از فرهنگ مراد می‌کنند، اما پایگاه سخنش، تراش معقول اسلامی است.

در این اثر تنها مباحث کلان و اساسی همچون چیستی فرهنگ، عینیت فرهنگ، گستره فرهنگ، لایه‌های فرهنگ و نحوه وجود فرهنگ مورد کاوش قرار گرفته‌اند.

تلفن: ۰۲۵-۲۷۷۴۶۹۹۲

BookRoom.ir



ISBN: 978-600-6375-66-3



9 786006 375663